بچه متعلق به صاحبِ رختخواب است و به زناکار سنگ تعلق می گیرد.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: سعد بن ابی وقاص و عبد بن زمعه در مورد غلامی با یکدیگر اختلاف نمودند که سعد گفت: ای رسول خدا، این برادرزاده ی من عتبه بن ابی وقاص است؛ برادرم عتبه خود اعتراف نموده که او پسرش می باشد؛ به شباهت وی به عتبه بنگرید. و عبد بن زمعه گفت: ای رسول خدا، او برادر من است. در بستر پدرم از کنیزی متولد شده است؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم به شباهت وی دقت کرد که در او شباهت زیادی با عتبه دید؛ آنگاه فرمود: «هُوَ لَكَ يَا عَبْدُ بْنَ زَمْعَةَ، الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ، واحْتَجِبِي منه يا سَوْدَةُ»: «ای عبد بن زمعه، او برای توست، بچه متعلق به صاحبِ رختخواب است و به زناکار سنگ تعلق می گیرد؛ و ای سوده از او حجاب بگیر». و از آن پس هرگز آن غلام سوده را ندید.

[صحیح است] [متفق علیه]

در جاهلیت رسم بر این بود که برای کنیزها قیمت هایی تعیین نموده و با زنا کردن آنها کسب درآمد می کردند و فرزندی که در اثر فاحشه متولد می شد، در صورت ادعای فرد زانی، به او داده می شد. در آن زمان عتبه بن ابی وقاص با کنیز زمعه بن اسود مرتکب زنا شده بود که نتیجه ی آن تولد غلامی بود. بنابراین عتبه به برادرش سعد سفارش می کند که این غلام را به نسب او ملحق کند؛ لذا وقتی فتح مکه فرا می رسد و سعد غلام مذکور را می بیند، از روی شباهتی که به برادرش دارد او را می شناسد؛ بنابراین تصمیم می گیرد او را به برادرش ملحق کند؛ همین مساله باعث می شود بین او و عبد بن زمعه اختلاف رخ دهد که سعد چنین استدلال می کند: برادرش عتبه اعتراف نموده که این غلام پسر اوست و شباهت میان آنها نیز گواه این ادعاست. و عبد بن زمعه می گوید: او برادر من است که از کنیز پدرم متولد شده است. یعنی پدرش آقای کنیزی است که این پسر را زاییده است. و صاحب رختخواب پدر او می باشد. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم به غلام مذکور نگاه می کند و شباهت آشکاری با عتبه در او می بیند؛ اما به نفع عبد بن زمعه قضاوت می کند و می فرماید: فرزند از آنِ صاحب رختخواب است و برای زناکار چیزی جز خواری و رسوایی نیست و فرزندی به او تعلق نمی گیرد. چون اصل این است که فرزند به دنیا آمده، تابع مالک کنیز می باشد که از طریق درستی با او همخوابگی داشته است؛ اما زمانی که شباهت غلام مذکور به عتبه را می بیند، از اینکه غلام مذکور با این نسب، به خواهرش سوده بنت زمعه نگاه کند، پرهیز می کند؛ بنابراین به سوده دستور می دهد که از باب احتیاط و پرهیزکاری از او حجاب بگیرد. و به این ترتیب با وجود همبستری و مساله ی فراش، شباهت و قرائن قابل توجه نیستند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6160